

آفات متدینین

حجت الاسلام روح

هیئت رایه الشهداء

سلام علیکم و رحمه الله اعوذ بالله السميع العليم من هوانا و من الشيطان اللعين الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمومنین و لا یزید الظالمین الا خسارا. سلامتی وجود مقدس و مطهر مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم صلوات مرحمت بفرماید.

آقا جان هر موجود زنده ای بلکه هر پدیده ای می تواند دچار آفت شود مولایمان امیر المومنین سلام الله و صلواته علیه فرمودند لكل شیء آفة، شیء یعنی موجود، هر موجودی می تواند به آفت یا آفاتی مبتلا شود. نمونه هایی را عرض خواهیم کرد دین هم یک موجود است غیر از اینکه خود دین به دو قسمت تقسیم می شود دین حق و دین باطل، دین باطل برود کنار، آیا دین حق هم می تواند به آفت یا آفاتی به آسیبی یا آسیب هایی مبتلا شود؟ اشتباه نشود ما گاهی از دین حرف می زنیم و گاهی از متدینان حرف می زنیم. قسمت معظم حرف ما ناظر به متدینان است اگرچه این بحث به دین هم برمی گردد. نظامی گفت یا رسول الله بعضی ها بلایی بر سر دین تو آوردند که اگر شما امروز تشریف بیاورید دینت را بگوییم این است می گویند نه، این را من نیاورده بودم، دین تو را در پی آرایش و پیرایشند بس که بیستند بر او برگ و ساز، گر تو ببینی نشنا سیش باز. اگر فیلم اصحاب کهف را دیده باشید مردان آنجلس، آنجا نشان می دهد اصحاب کهف وقتی از خواب به آن طولانی بیدار شدند آمدند شهر ماکسیمیلیانوس اسامیش اگر یادتان باشد رئیسشان بود که آمد در شهر نگاه کرد دید عجب اینجا جایی به نام کلیسا درست شده، یک مجسمه ای هم درست کردند خانمی هم آمده پای آن مجسمه، آنها فیلمش را حتما دیدی، خانمی هم پای مجسمه را دارد می بوسد. تعجب می کند که این چیست؟ یکی از این کشیش ها می آید بهش می گوید که گویا شما در این شهر غریبه هستی، گفت بله، گفت این عکس کیست اینجا است؟ گفت این عکس مولایمان مسیح است که بر صلیب آویخته شده، اینها را در فیلم دیدید؟ آن اصحاب کهف به شدت تعجب کردند که عیسایی که ما می شناختیم اینطوری نبود کلیسای این طوری ما نداشتیم این دکان بازارها چیست که درست شده است؟ برادران دین یک چیز متدینان یک چیز دیگر هر دوی اینها می شود دچار آسیب شوند بلکه از این بالاتر امیرالمومنین سلام الله علیه وقتی می خواهد مالک اشتر را برای مصر بفرستد نامه ای دارد در نامه ۵۳ نهج البلاغه نگاه کنید می گوید مالکا من تو را به سمت سرزمینی می فرستم که در آن سرزمین دین خدا را اسیر گرفتند. ان هذا الدین کان اسیرا بایدی الاشرار یعمل فیہ بالهوی و تطلب به الدنيا. دین خدا را اسیر گرفتند تو را دارم می فرستم که دین را از اسارت در بیاوری. در دعای ندبه بعد نگاهی بکنید آنجا اینطوری می گوید که این محیی معالم الدین و اهله، یعنی امام عصر یکی از کارهایش زنده ساختن دین است. حالا چرا این بحث انقدر مهم است؟ اگر رفتارها و اندیشه هایی به نام دین خرج شود که ربطی به دین ندارد، آیا این رفتارها این اندیشه ها این کم و زیاد کردن ها باعث کمال دین است یا باعث تخریب دین است؟ چکار می کنند؟ اگر این کم و زیادهای دین خدا را کامل می کرد خدا دین ناقصی فرستاده بود، این که خلاف فرض است، دین خدا

را ما دین کاملی می دانیم. پس این آرایه ها و این کم و زیاد کردن هایی که ازش انشاء الله نام خواهیم برد هر کدام که می آید در واقع ریشه دین را سست می کند اعتقاد مردم را به آن دین خدا سست می کند.

امام هشتم سلام الله علیه فرمودند مردم اگر حرف خالص ما را بشنوند، ان الناس لو علموا محاسن کلامنا، مردم اگر سخنان زیبایی ما را بدانند حرف ما را گوش می کنند محتمل پیرو مکتب اهل بیت عصمت و طهارت می شوند حتما پیرو مکتب الهی می شوند اما عیب کار چیست؟ خود امام هشتم فرمودند کمی رویش می گذارید کمی ازش کم می کنید فکر می کنید دارید خدمت می کنید در حالی که این عین خیانت است، حالا خیانت دو پرده پیدا می کند کسی عالما عامدا بداند که دارد خیانت می کند که انا لله و انا الیه راجعون. گاهی هست که شخص توجه ندارد ولی کارش عملا به همین ختم می شود. گفتم هر چیزی می تواند به آفتی مبتلا شود یکی از آنها دین و دین داری است دین داران هم می توانند به آفتی مبتلا شوند چیزهایی را بیاورند به دین ملزم کنند که هیچ ربطی به دین ندارد. همین امروز نگاه کنید معضل ازدواج در کشور ما ربط به اصل ازدواج دارد یا انقدر دور و ببردش را شلوغ کردند که کسی جرات رستم باید داشته باشد که به ازدواج تن در دهد. ربط به اصل دین ندارد. چیزهایی را اضافه کردیم به ازدواج وصل کردیم که شخص جرات ورود به این میدان را از دست می دهد و صدها بحث دیگر هم همینطور است. من نمونه بخوانم شما صلوات مرحمت بفرمایید.

کبرای کلی عرض ما این شد که حضرت امیر سلام الله علیه فرمودند هر چیزی آفتی دارد بعد نمونه امام ذکر کردند فرمودند مگر عبادت می کنید آفت ندارد؟ فکر کردید در نماز ایستادید تا پایان نماز، نماز پایان می شود؟ حضرت فرمودند نه، آفه العباده الریا. عبادتی که انجام هر کاری که کردی کار عبادی که انجام دادید اگر درش ریا آمده باشد آن عبادت می ارزد یا نمی ارزد؟ از ارزش می افتد. ببینید چیزی که آفت برمی دارد آن ارزش سابق را ندارد به اصطلاح بهش می گوئیم هویتش در معرض خطر است. گاهی اصلا صلش در معرض خطر است که بهش می گوئیم کیانش به خطر می افتد. عبادت اگر درش ریا آمد هویتش به خطر می افتد یا اصل هستیش به خطر می افتد؟ اصل هستیش به خطر می افتد. آفه النعم الکفران. نعمت هایی هم که خدا به انسان داده نعمت ها هم می شود دچار آسیب شود. آفت نعمت چیست؟ امیر المومنین فرمود کفران نعمت. شما با من بخوان، شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت؟ این واقعیتی است لئن کفرتم ان عذابی لشدید، حالا اینها بحث های طولانی دیگری دارد.

آفه الطاعه العصیان. خدا رحمت کند مرحوم آقا شیخ احمد آقا مجتهدی تهرانی تهرانی سخنرانی می کرد پیرمرد خوش زبانی بود تحت الحنک عمامه اش را باز می کند در مسجد نشان می دهد از تلویزیون. ایشان خیلی نکته شیرینی می گفت که ما یک کیسه ای داریم که درش ثواب هایمان را می اندازیم در آن، بهش می گفت ثواب دان، بعد می گفت متاسفانه ثواب دان ما سوراخ شده است، یعنی از یک طرف ثواب انجام می دهیم از آن طرف مرتکب معصیت می شویم، آفه الطاعه العصیان. یعنی کار خوب که می کنی کار خوب کردی، قرآن می گوید کار خوب را بتوانی تا قیامت بیاوری عرضه داشته باش، من جاء بالحسنه، نه من اتی بالحسنه، اتی بالحسنه یعنی کار خوب کرد اما کار خوب کرد بعد خرابش کرد. کار خوب می ماند یا نمی ماند؟ در فارسی جانوری چهار پایی را نام می برند می گویند نه من شیر می داد بعد یک لگد می زد، کاری نداریم نه من بدبخت بیچاره، نه من شیر دادن خیلی کار پر زحمتی است فقط یک لگد می تواند خرابش کند

آفه السخا المن، انسان سخاوتمند و بخشنده باشد به این و به آن بدهد فقط کافی است منت بگذارد. یکی آمد پیش امام جواد سلام الله علیه داشت می گفت من برای فلانی کار خوب کردم به خودش نگفت، به امام جواد گفت من برای فلانی کار خوب کردم حضرت فرمود کارت را که باطل کردی، گفت آقا من به خودش که نگفتم به شما گفتم، قرآن امام الجواد خواند گفت لا تبطلوا الصدقاتکم بالمن و العزاء، امام جواد فرمود برای یکی کار کردی به خودش نگویی برایت خانه خریدم، به رفقا دو ست و آشنا بیگانه، من خانه ای برای او خریدم، کار باطل می شود، آفه السخا المن، می خواهیم بگویم و سعت آفت پذیری چقدر زیاد است؟ امیر المومنین فرمود گاهی یکی خوشگل است خوشگلی که اختیاری کسی نیست چشمش این شکلی موهایش آن شکلی دماغش آن شکلی و لب و صورتش آن شکلی است خوشگلی که اراده کسی که نیست، چنانچه زشتی اراده کسی نیست کسی نمی خواهد زشت به دنیا بیاید حالا خوشگل شده است، جمال و خوشگلی هم آفت دارد یا ندارد؟ امیر المومنین فرمود این آفت پذیری به قدری زیاد است که کسی خوشگل باشد دچار مرض خود پسندی هم باشد خودش را در آینه نگاه کند بفرماید آخر در این زمین از ما خوشگل تر کیست؟ آفه الجمال الخیلا، خیلا یعنی خود پسندی.

حرف اگر بزنی حرف زدن هم آفت دارد؟ امیر المومنین فرمود آفت حرف زدن دروغ قاطیش کردن است. آفه الحدیث الکذب، سخنی که داریم می گوئیم دو تا دانه روغن قاطیش کنیم دو تا دروغ قاطیش کنیم آقایان اهل علم من را ببخشند برای سلامتی شان صلوات مرحمت بفرماید. آدم درس بخواند عالم شود واقعا زحمت دارد نمی خواهیم بی ادبی داشته باشیم ما مرد ملایی در ۱۵۰ سال اخیر در حوزه علمیه داریم بهش می گویند تالی معصوم، شیخ اعظم انصاری خیلی باسواد است یک دعایی دارد نصف سطر، می گوید وفقنا الله الاجتهاد الذی هو اشد من طول الجهاد. چه می گوید؟ می گوید خدا توفیق دهد ما اجتهاد پیدا کنیم می گوید اجتهاد پیدا کردن از جنگ سخت تر است از تمام مدت جنگ، ما ۸ سال در این کشور جنگیدیم دیگر. می گوید همه آن یک طرف اجتهاد یک طرف حاشیه باغ ما هم بپذیر، یک دفعه عرب زبان می خواهد اجتهاد پیدا کند خیلی کار برای عرب زبان آسان است یک زمان عجمی می خواهد اجتهاد کند فوق العاده سخت است، چرا؟ چون زبان عربی زبان مادری او نیست ظرایف زبان را غالبا متوجه نیستند. در فارسی می گوئیم بفرما بنشین، یک لغت سومی هم داریم، اگر یک کسی از یک مملکت دیگر عالم بخواند بیاید اینها را نداند بخواند به یک کسی بفرماید اینجا تشریف داشته باشند، هس آن لغت سوم را بگویند، خدمت کرده آن آقا خوشش آمده یا نه؟ ظرایف ادب عرب به قدری دقیق است که مرحوم شهید ثانی رضوان الله علیه در منیه المرید فرمود برای عجم هیچ کاری سخت تر از اجتهاد نیست که راست می گویند چون زبان مادری ما که این نیست. کجا قرآن می گوید فواد کجا می گوید عقل کجا می گوید قلب، زبان مادری ماست ما همه را یک جور معنا می کنیم. رد شویم.

فرمود آفه العلماء، علما هم به آفت می رسند یا نمی رسند؟ بله از سقف تا زیرزمین مسجد بگیر، هیچی از آفت دور نیست، آفه العلماء حب الرئاسه، دلش می خواهد رئیس شود. حالا یک دفعه رئیس شود حاج آقا را بزند کنار خودم بیایم جلو نماز بخوانم یا بالاخره در این شهر خمس را من بگیرم یا اسم و رسم بنده مطرح شود مهر ما را بزنند، امام هشتم علی ابن موسی الرضا می خواست از یکی از شاگردانش به نام صفان ابن یحیی از اکابر علمای شیعه است حضرت می خواست از صفان ابن یحیی تعریف کند می فرمود صفان ابن یحیی ریا ست طلب نی ست. بعد اهل بیت فرمودند ریا ست طلبی به قدری برای دین آمد خطرناک، مثال مال اهل بیت است، فرمودند گله ای که چوپان نداشته باشد چند تا گرگ حمله کنند چه بلایی به سر این گله

می آورند؟ می دانید که گرگ برای گشنگی شکار نمی کند به عکس شیر که گشنه اش که می شود شکار می کند و سیر که شد دیگر با گله گوسفندان کاری ندارد، اما گرگ از خفه کردن لذت می برد به اندازه شکمش هم شکار نمی کند، لذا در یک گله از صد تا گوسفند هم باشد یکیش را بکشد سیر شده، آن ۹۹ تای دیگر را هم خفه می کند، چرا؟ چون از خفه کردن کیف می کند. امام معصوم فرمود حب الرئاسه از اینکه گرگ به گله بزند یعنی هیچی از گله نمی گذارد، حب الرئاسه این بلا را سر آدم می آورد.

به کسی بخواهید کمک کنی، کار خوبی است، اما این پا آن پا کنی حالا شنبه یک شنبه دو شنبه، آفه العطا المطل، آفت چیزی را که می خواهی بدهی معطلش کنی، حالا فردا ببینیم چطوری می شود پس فردا ببینیم چطوری می شود. شنیدم اربابی بود نوکری داشت گفت آقا آزادت می کنم به این شرط که با این مرغ غذایی درست کنی که ما کیف کنیم، اگر کیف کردیم آزادت می کنم او مثلا غذایی درست کرد که آبکی بود مرغ هم و سطرش گذاشت و دور و برش آبکی و آن ارباب هم زرنگ بود آبش را خورد مرغش را نگه داشت گفت این که هنوز نچشیدیم که چه طعمی دارد. غذای دومی را درست کرد دوباره آب را خورد گوشتش را نگه داشت سه و چهار و پنج و ده آخر آن کارگر به حرف آمد گفت من را نمی خواهی آزاد کنی این مرغ را آزاد کن خسته شده است از دست ما آفه العطاء المطل، اگر کار خیر قرآن گفت سارعوا در کار خیر چکار کن؟ سبقت بگیر. کار خیر را این دست آن دست نکن. یکی هم از خودم بگویم ضرر ندارد امیر المومنین فرمود می خواهی حرف بزنی طولانی حرف نزن، آفه الکلام الاطاله، این حرف برای من، حضرت فرمود می خواهی حرف بزنی بگو من کاظم پول لازم، بیشتر طول و تفصیل دادن غلط است. شما غالب خطبه های امیر المومنین در نهج البلاغه کوتاه و کوتاه، ولی چکار کنم حاج آقا آنجا نشستند از اول به من گفتند یک ساعت سخنرانی کنید. خدا خودش می داند بنده در این شهر نزدیک ۲۰ و ۳۰ سال سخنرانی می کنم جوانتر که بودم بعضی شبها ۵ بار در یک شب سخنرانی می کردم تازه جمعیت با من راه می آمدند اینجا حرف می زدم می رفتم جای دیگر به سوم که می رسیدم اوقاتم تلخ بود می گفتم شما کار و زندگی ندارید من می خواهم این حرف را اینجا هم بگویم ولی شما را می بینم نمی توانم اینجا بگویم. بارها بهشان گفتم آقا جان گاهی آدم می خواهد یک جا سخنرانی ده دقیقه که گفتیم مطلب جا افتاد، گفت به یک کسی گفتند شام چی دارید؟ گفت آه آه آه آه گوشت، یعنی بش زیادی و گوشتش کم است آخر به آب بستن یک سخنرانی که هنر نیست. یک سخنرانی یک جمله ای بگویم. ابو سعید ابو الخیر خیلی مرد بزرگی است نوه اش خاطرات بابا بزرگش را نوشته است که خیلی چیز خوبی شده است اسرار التوحید فی احوال مولانا ابو سعید، کتابش فارسی است نگاه کنید خیلی خواندنی است، می گفت آمد در نیشابور خواست سخنرانی کند جمعیت انبوهی در مسجد بودند اینطور مواقع می خواهند جا باز کنند یک صلواتی می گیرند جا باز می کنند، یک کسی این طوری گفت خدا پدر کسی را بیمارزد خدا رحمت کند کسی را که یک گام به جلو برود، یعنی به جلو بروید، جمعیت صلواتی فرستاد بلند شدند یک قدم به جلو آمدند تا نشستند ابو سعید ابو الخیر گفت و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته. سخنرانی تمام شد، گفتند هنوز شروع نشده است، گفت هر چیزی را که ۱۲۴ هزار پیغمبر می خواست بگوید این آقا در یک جمله گفت، گفت خدا پدر کسی را بیمارزد که از جایی که هست یک قدم به جلو بردارد، این یک کتابخانه سخنرانی است هر کسی هر جایی که هست چکار کند؟ یک قدم جلو، حالا یک قصه هم بگو یک خاطره هم نقل بکن این طرف برو حاشیه هم برو روزنامه هم بخوان، آفه الکلام الاطاله.

آفه المعاش سوء التدبير، امير المومنين فرمودند غالب انسان ها عقل معاششان خوب کار نمی کند یکی از خودم بگویم ضرر ندارد ما از سال ۶۰ طلبه ایم الان حدود ۳۷ و ۳۸ سال است. سال ۶۱ دو طلبه در یک حجره بودیم البته دو حجره بود ولی ما معمولا با هم در یک حجره زندگی می کردیم دو حجره داشتیم ولی در یک حجره زندگی می کردیم و هر دویمان هم به قدری علامه طباطبایی را دوست داشتیم که بیا و ببین یعنی عکس نعلین آقای طباطبایی را داشتیم عکس قبای آقای طباطبایی، اصلا چیزی می گویم و چیزی می نشوید که حالا اینها را هم بعدا نقل خواهیم کرد. دو تایی با هم ماهی هر نفر ما ۷۰۰ تا یک تومان شهریه داشتیم. ۷۰۰ هزار تومان نه، ۷۰۰ تا یک تومانی شهریه ما بوده. رفتیم بازار چ ششم ما افتاد به قاب عکس آقای طباطبایی و مرحوم آقای مطهری که در لندن عکس گرفته بودند شاید دیده باشید یک فضای سبز بسیار خوشگلی است. دل می رود ز دستم صاحب دلان خدا را، چه شد این وسط؟ جفت ما گفتیم باید این قاب عکس را بخریم، بابا یک قاب عکس را هزار نفر هم می تواند تماشا کند، تازه هم شهریه و پولدار بودیم، ۴۰۰ تومان رفیق ما داد یک قاب عکس خرید ۴۰۰ تومان هم من دادم یک قاب عکس خریدم هنوز هم آن قاب عکس را دارم. خوب یک ماه را ما باید بگذرانیم بقیه ماه را چطور باید بگذرانیم؟ دیگر عقل اصلا آنجا قد نمی داد که بقیه ماه را باید چطوری بگذرانیم؟ آفه المعاش سوء التدبير، این نه در مقیاس کوچولو، در مقیاس های خیلی بزرگ هم وجود دارد که به این جهت که می بینید خیابان های شما مثل جگر زلیخا می ماند امروز اداره شرکت گاز می کند فردا اداره آب می کند پس فردا تلفن یادش می آید نکنده است پس فردا یکی دیگر بابایش و صیت کرده نکنده است یک جایی ده ها بار کند و کاو کرده است که این را می گویم سوء تدبير، صلواتی مرحمت بفرمایید.

اینجا صدق ها خیلی زیاد است ولی اصل حرف، سوال، آیا دین داری ما هم عیب دار می شود یا نه؟ سعدی یک مثال خوشگلی دارد می گوید یک آقای بد صدایی خواست برای رضای خدا اذان بگوید، برادران یکی از چیزهایی که دین ما می گوید دین می گوید امام جماعت باید خوشگل باشد. این یکی. پس من اگر دیدم امام جماعتی خوشگل نیست اولین فاکتور است که بگویم حاج آقا تو را به رضای خدا نیا وسط دیگر، ما که گناه نکردیم شما را این شکلی ببینیم. دو، اسلام می گوید امام جماعت باید خوش صدا باشد. در همین شهر مشهد یک جایی می رفتم سخنرانی آقای بود بزرگوار بود نماز عجیب و غریبی می خواند که صدا انکر الا صوات بماند، یک دفعه رفتیم دیدیم ایشان الحمد لله تشریف نیاورد و یک آقای دیگری داشت بجای ایشان نماز می خواند بدون سخنرانی مسجدی که قاف تا قاف آدم جمع بود آن امام جماعت بزرگوار سوره مبارکه زلزله را با یک صدای بسیار زیبا و حزین داشت می خواند ما هم آخر صف اواخر بودیم خودش منقلب بغض گلویش گیر می کرد، سوره هم سوره مبارکه اذا زلزلت الارض زلزالها به دو آیه آخر که رسید نزدیک بود جان دهد در نماز. اینطور نماز چقدر روی مردم اثر می گذارد؟ دیگر سخنرانی لازم داریم؟ از امام هشتم سوال شد چرا در نماز باید قرآن بخوانیم؟ حضرت فرمود نماز را بردند گفتند باید درش قرآن بخوانی که قرآن زنده بماند، کسانی که مکه مشرف شدید حتما دیدید دیگر، با چه صدای بسیار حزین و زیبایی قرآن تلاوت می شود، سعدی می گوید یک مسجدی بود یک اذان گوی بسیار بد صدا شروع کرد اذان گفتن، گفت یکی بهش رسید گفت به شما پول می دهند که اذان بگویید؟ گفت نه من برای رضای خدا اذانی گویم، گفت می شود دیگر برای رضای خدا اذان نگویم؟ خدا امواتان را رحمت کند مرحوم پسر ما ۲۶ سالش بود از دنیا رفت بچه کوچکی بود ۳ سالش بود رفتیم یکی از مساجد مشهد فرض کنید آن دیوار مسجد با شد این جایی که من

نشستم خانه ما بود، فاصله ۱۰ و ۱۵ بیشتر می شود؟ آن دیوار و اینجا مسجد. آن منزل این مسجد، روز اولی که اثاث کشی کردیم نزدیک اذان مغرب که شد اذان گفتند آن آقایی که می خواست برود پشت تریبون حرف بزند که عجلوا بالصلاه، به قدری کوبنده و وحشتناک گفت عجلوا بالصلاه این بچه از ترس دوید بغل مادرش. ما حمل کردیم که فرزند ما شجاعت ندارد، گفتیم خوب، نیم ساعت یک ساعت به اذان صبح مانده بود از ما هم خواسته بودند آنجا نماز جماعت بخوانیم امام جماعتشان بودم، تازه رفته بودم، دیدم نیم ساعت یک ساعت به اذان صبح صدا را بلند می کنند یکی دارد مناجات و دعا می خواند. صبح آمدم بیرون رفتم شیر بگیرم از آن شیر فروش سوال کردم این صدای مسجد اذیتتان نمی کند آقا جان؟ گفت نه آقا اختیار داری ما مسلمان هستیم، گفتم والا بنده را که تا صبح دیوانه کرد. گفت ای آقا خدا پدرت را بیمارزد اینها ما را بدبخت کردند حرف هیچ کسی را نمی خوانند گفتم خوب بنده خدا چرا نمی گویی؟ را ستش را بگو دیگر. فهمیدم هم صدا دارم. ظهر شد به این آقایان گفتم آقایان این کار خلاف است حق ندارید این کار را بکنید گفتند تقصیر ما نبود فلان آقا این کار را کرد فردا صبح شد دوباره همین بلا را سر ما آوردند دیدیم حالیشان نمی شود تهدیدشان کردیم گفتیم آقا جان اگر این کار را بکنید من دیگر برای نماز جماعت نمی آیم، مشهد آن چه فراوان است حاج آقا فراوان است دیگر، قصد بی ادبی ندارم، گفت سر زلف تو نباشد سر زلف دیگری، فردایش نرفتم دیدیم حاج آقای دیگری را برای نماز آوردند. ببینید برادران این که می گویم رفتارهای ما به آفات متعددی می تواند مبتلا شود یک جهتش این است.

حضرت عبدالعظیم حسنی را می شناسید در فارسی بهش می گویند شاه عبد العظیم، شنیدید این کلمه را؟ ری حضرت عبد العظیم حسنی به چهار واسطه از اولاد امام حسن مجتبی می شود خودش دانشمند است سه تا امام را درک کرده، امام جواد و امام رضا و امام هادی را درک کرده از اکابر شاگردان اهل بیت عصمت و طهارت است مرد بزرگ و دانشمندی است. این آدم می رفت خدمت امام هادی و نه امام رضا، خدمت هادی بعد از امام رضا و بعد از درک امام جواد سال ها پیش اینها درس خوانده است. خدمت امام هادی دیگر ملای مجتهدی است برای خودش. می رفت خدمت امام هادی عرض می کرد یابن رسول الله من دینی که فهمیدم می خواهم به شما عرضه کنم، ببینید دین من درست است؟ دینی که فهمیدم دینی که می خواهم بهش عمل کنم دینم را به شما عرضه کنم. امام هادی نفرمود اختیار دارید شما خودتان دانشمند هستید فرمود بفرمایید دینتان را عرضه کنید بگویید. گفت من معتقدم خدا اینطوری است پیغمبر اینطوری است امام اینطوری است، این را در پراگتر داشته باش، یکی از علمای بزرگ مشهد که مرحوم شده خدا رحمتش کند ایشان می فرمود من تصمیم گرفتم یک ماه مبارک رمضان بروم بالای منبر با ادله قطعی عقلی و نقلی فقط توحید برای مردم بگویم یک جلسه رفتم بالای منبر گفتم ایها الناس خدا می بیند اما اینطوری چشم که من و شما داری مردمک زجاجیه عنبیه دارد اینها را ندارد خدا بصیر است ولی اینطور چشم ندارد. جلسه دوم رفتم ایها الناس خدا سمیع است می شنود ولی اینطور گوش که من و شما داریم خدا ندارد. خدا کلم الله موسی تکلیما، سخن می گوید اما اینطور زبان گوشتی که من و شما داریم خدا ندارد. سی جلسه ماه مبارک رمضان هر روز یکی را انکار کردم یکی را برداشتم. من می دانم منبرهای ظهر ماه مبارک رمضان را دیدید یا نه؟ دارند گوش می کنند معمولا هم شنیدند که نام خواب روزگی چیست؟ خوابش هم عبادت است در مسجد در حال چرت عبادت حاج آقا هم برای در و دیوار دارد سخنرانی می کند. این بنده خدا می گفت من در ماه مبارک رمضان ظهرها صحبت می کردم فقط می گفت یک پیرمردی به ستون تکیه زده بود چشمش از دهان من برداشته نمی شد گفت من هم خوشحال

که یک نفر را هدایت کنیم بس است آنها را دیگر بگذار چرت بزنند. سی جلسه سخنم گفت تمام شد، نستلک الله و ندعوک بسمک العظیم الاعظم از منبر آدم پایین، دو سه قدم راه رفتیم دیدم این پیرمرد من را صدا می زند که حاج آقا بیا، گفتم چیست؟ گفت آقا جان چرا انقدر خودت را خسته کردی، همین آقایی که گوش می کرد گفت چرا انقدر خودت را خسته کردی؟ راستی می گفتمی خدا وجود ندارد خودت را راحت می کردی، آخر آن خدایی که نه زبان نه چشم نه دست نه گوش دارد به درد خدایی نمی خورد. برادران دین داری های ما غالباً پدر بابایی اندر پدر بابایی تا صد نسل بشمار. یک چیزهایی را به نام دین داری می فهمیم، بگذار یک شاهد بگیرم، غالب شما یا همه تان مسافرت رفتید دیگر، می خواهید بروید مسافرت پشت سر مسافر یک کاسه آب می آورند؟ روی سر شما هم انشاء الله ریخته شده، اینها می پاشند این ماخذ و سند و دلیلش کجاست؟ بگذار از آقای قرائتی بگویم ایشان می گفت یکی از من سوال کرد مسجدها که می رویم کاشی مسجدها نوشته النظاره من الایمان سند این روایت کجاست؟ گفت من گفتم سندش کاشی دستشویی ها، ما سند نداریم، النظاره من الایمان، سندش کجاست؟ گفت ما نداریم سندش کاشی دستشویی هاست. انما الاعمال بالنیات. شنیدید این کلمه را؟ مرحوم میرزای کبیر شیرازی محقق درجه ۱ دنیای اسلام در پرائتوز عرض کنم مرحوم میرزا در طول سال سه تا یک ماه درس می داد و ماه شاگردانش باید تحقیق می کردند یکی از شاگردان بزرگ میرزای کبیر شیرازی مرحوم آخوند خراسانی صاحب کتاب شریف کفایه است یکی میرزای دوم شیرازی است یکی مرحوم فشارکی است یکی مرحوم آقای نائینی است همینطور بزرگان را در نظر بگیر. سه ماه در سال درس می گفت ولی هر جلسه در سش ۴ ساعت طول می کشید، یک ساعت بالای منبر سه ساعت از منبر که می آمد عمومه را روی پایش می گذاشت شاگردانش می گفتند تازه درس شروع شده. یک مرد محقق ملای با سواد. ایشان در کتاب تغییرات اصولش نوشته این روایتی که نقل کردید، انما الاعمال بالنیات دیگر اسم نمی برم ولی حرفش را نقل می کنم، فرمود جمیع اسانیدها منتهیه الی رئیس الفاسقین. آن که از سمت ما مولایمان امیر المومنین در نهج البلاغه فرمود لکل امر ما نوی. مطلب عوض شد. انما الاعمال بالنیات مال ما هست یا نیست؟ مثل این یکی روایت که من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا. منت سب به کیست؟ مولایمان امیر المومنین است هر چه می گردیم خدایا این عبارت کجا نوشته شده؟ پیدا نمی کنیم. حالا دقت کنید دین فهمی های ما یک عمل کردن های ما دو می تواند آسیب های جدی بزند هم به خودمان هم به نسلمان بگذارد

آقای مطهری بگویم مرحوم آقای مطهری در کتابش می فرماید این گوجه ای که من و شما استفاده می کنیم نه گوجه سبز، گوجه قرمز، در فارسی بهش می گویند گوجه فرنگی هنوز هم اسمش رویش است این مال ما نبوده از این کشور نبوده از جای دیگری آورده بودند لذا تا همین الان شناسنامه اش ثابت است گوجه فرنگی است مرحوم آقای مطهری در کتابش نوشته می گوید یک بابایی بود فقط یک پسر داشت چون یک پسر بودن از دانه اش بود جرات نمی کرد بهش حرف بزند این پسر رفت و شراب نوشید با دهان مست آمد خانه و بالاخره بابا دید گفت عیب ندارد دیگر یک پسر است چکارش کنیم انشاء الله خوب می شود رفت فردا آمد قمار بازی راه انداخت رفت فردا آمد فلان فسق و فجور را مرتکب شد هر کاری که بگویند انجام می داد بابا می گفت عیب ندارد یک پسر داریم، از بدی بخت و اقبال این پسر هوس کرد یک کیلو گوجه فرنگی بیاورد در خانه اش بار اول، مرحوم آقای مطهری می فرماید اوایل مردم حساسیتی که داشتند گوجه فرنگی را بهش می گفتند ارمنی بادمجان، مذهبش هم رویش می آوردند. این بیچاره بچه رفته یک کیلو ارمنی بادمجان گرفته بیاورد در

خانه بشورد بخورد بابا نگاه کرد گفت قمار بازی کردی هیچ نگفتم شراب خوردی هیچی نگفتم فلان فسق و فجور، دیگر ارمنی بادمجان آوردی در خانه یا جای من یا جای تو. بگذارید در همین کشور بگویم یادتان می آید سال های سال بعد انقلاب روز ۱۲ فروردین که جمهوری اسلامی است فردایش می شود چندم فروردین؟ روز ۱۲ فروردین سخنرانی شهید مطهری را پخش می کردند که بابا ۱۳ نحس نیست این کار را آن کار را نکنید هر سال ما گرفتار بودیم که ۱۳ بدر باشد یا نباشد؟ حالا اصلش چطور است کار ندارم ولی خدا پدر آن عاقل را بیامزد که دیدی هر چه مقاومت می کنیم روز ۱۳ نوروز اینها بدتر می کنند آخرش گفت یک کار دیگری انجام می دهیم اصلش را بیاید عوض کنیم، روز ۱۳ فروردین در تقویم چه نوشته است؟ حالا برویم بیرون یا نرویم؟ هر کس نمی رود دستانش بالا. حالا همه می رویم بیرون هیچ عیبی هم ندارد، روز طبیعت است آخر، چه اشکالی دارد با طبیعت که قهر نیستیم. آقا صاحب مثنوی گفت یک کسی شترش رم کرده بود این می دويد شتر می دويد بعضی ها خواستند بهش کمک کنند یکی یک چوب برداشت یکی یک ساتور برداشت دنبال این شتر راه افتادند هروله کنان، این صاحب شتر وقتی نگاه می کرد دید دارند بدتر شتر را رم می دهند التماس می کرد که تو را به خدا کمکم نکنید. گفت من لم شتر خودم را بدم، این کمی می دود بعد می ایستد اینطور که شما رمش می دهید دیگر در می رود که در می رود که در می رود. طولانی شد مقدمه، عرض ما این بود که فهم دینی ما دچار آسیب های جدی است. این که شک کنیم بروید پیش یک اسلام شناس بگوئید ما دین را اینطوری می فهمیم، بگذار یک چیزی بگویم شاید باور نکردنی باشد برای شما، ۲۹ یا ۳۰ سال است مشهدم، قبل از اینکه مشهد بیاید در شهرستان دیگری بوده، یک زمانی قبل از این ۳۰، ۳۲ یا ۳۳ سال قبل در شهری بودم بچه مذهبی ها می خواستند علیه بد حجابی راه پیمایی کنند سخنرانش هم بنده بودم. خوب جمعیت ما انبوه بوده در بین ما یک آقای بزرگواری بود که قله اورست افراط بود. داریم می رویم به سمت جایی که علیه بد حجابی سخنرانی کنیم این رفیق بزرگواری ما، دو دقیقه دقیق من را نگاه کن، بنده چون لباسم این بالا یقه اش دکمه اش بسته است باز و بسته کردن برایم آسان است آقایانی که پیراهنشان باز است الان بخواهید ببندید آسان است یا زحمت دارد؟ زحمت دارد باز و بسته نشد، یک بنده خدایی داشت عبور می کرد این آقا چسبید به یقه آن آقا، داد می زد سرش که ما از دست شما بد حجاب ها دق مرگ شدیم، چه را بد حجابی معرفی می کرد؟ یک دکمه بیچاره. جمعیت انبوه با ما بود آن بیچاره رنگش پریده بود اصلا عقلش داشت می پرید که من چکار کردم این دارد مرا خفه می کند، حالا اصرار هم دارد که دکمه این را ببندد که چشم نامحرم اینجا نیفتد دیگر. آمدیم به این آقا بگوئیم آقا نکن دست بردار این که بی حجابی نیست اصلا بد حجابی نیست اصلا حجاب این نیست که تو داری تعریف می کنی. بگذار آخر فیلم هم بگویم. جایی درست کرده بودند که ما سخنرانی کنیم شمال اگر تشریف برده باشید شاید دیدید، سینی های بزرگ تخم مرغ می چینند برای فروش، پشت جایگاهی که بنده می خواستم سخنرانی کنم سینی بزرگی برای تخم مرغ بود جمعیت انبوه هولم دادند افتادم سر تخم مرغ ها، آمدم از این طرف بلند شوم له شوم آمدم این طرفی بلند شوم له شد سخنرانی به هم ریخت شره تخم مرغ از ما ماند خلق الله سخنرانی را دیگر گوش نمی کردند. خدا شاهد است خیلی ها وقتی از امر به معروف حرف می زنی پشتهم می لرزد، حضرت امام در تحریر الوسیله فرمود کسانی که می خواهند امر به معروف بکنند و بلد نیستند اصلا نمی دانند کدامش معروف است کدام معروف را با چه دوزی باید پیش برد؟ نمی دانند. امام در تحریر الوسیله می فرماید بر دیگران واجب است او را نهی از منکر کنند. در دانش پزشکی اینطوری می گویند که اگر جراحی را بلد نیستی زخم را باز نکن بدتر

چرک می کند جراحی بلد نیستی زخم را دست نزنی خرابترش خواهی کرد خرابترش خواهی کنی. برادران بزرگوار مرحوم آقای مطهری ما می فرماید اصول دین ما دچار مشکل است فروع دین ما دچار مشکل است اخلاق ما دچار مشکل است اخلاق اجتماعی ما دچار مشکل است سیاست ما دچار مشکل است، می دانید چه می گوئیم؟ آقایان امام فرمودند شهید مطهری حاصل عمر من است به همه هم سفارش کردند آثار این معلم بزرگ را نگذارید فراموش شود. مرحوم آقای مطهری دین خدا را خوب می فهمید یک، خوب توضیح می داد دو. کتاب شریف ده گفتار مبحث احیای فکر دینی، به این چاپ که در خدمتتان هستم صفحه ۱۵۳ در میان کشورهای دنیا به استثنای بعضی کشورها، کشورهای اسلامی عقب مانده ترین و منحط ترین کشورها هستند. چه گفت؟ در بین ملل عالم کشورهای اسلامی عقب مانده ترین و منحط ترین کشورها هستند. نمی خواهم جایی را به سر کسی بزنم ولی یک دو ست دانشگاهی داریم خودش و هم سرش اهل تحقیقات علوم انسانی هستند چهار سال برای تحقیقات به یک کشوری که عمدا اسمش را نمی برم رفته بودند بعد که تحقیقاتشان تمام شد آمدند ما ازش خواهش کردیم به ازای هر سال ۲۰ دقیقه حرف بزند. ۴ تا ۲۰ دقیقه بیا توضیح بده چطور آدم ها آنجا زندگی می کنند؟ ضبط هم شده است. نمونه اش را بگویم زمانی که ایشان داشت حرف می زد بنده روبرو نشسته بودم بغل دست من یک آدم متدینی نشسته بود گفت رفتم کت و شلوار بخرم وارد یک مغازه شدم یک لباس را دیدم که پارچه اش شکل ظاهریش دوختش جنسش همه اش با بغل دستیش هیچ فرقی نمی کرد برای اینکه بنده حالیم شود پول را به زبان فارسی می گفت. گفت این یک را سوال کردیم چند؟ اتیکت مثلا نوشته بود ۱۵۰ هزار تومان این یکی را گفتیم چند؟ گفت ۱۲۰ هزار تومان، گفت من تعجب کردم که این با این ۳۰ تومان فرقی چیست؟ گفت متصدی فروش که آنجا بود این لباس و کت را کنار زد در آسترش، داخل لباس با برچسب بزرگ نمایی کرده بودند یک دانه نخ رفتگی وجود داشت که قسم یاد می کرد که اگر خود آن آقا آنجا را برچسب نزنده بود تشخیص داده نمی شد یعنی باز می کردیم دیده نمی شد، گفتیم بخاطر همین؟ از تعجب من او تعجب کرد که من چرا تعجب کردم؟ خوب این که یکی نخ رفتگی است دیگر، مشکلی که ندارد. شاید قبلا در همین مسجد این را گفتیم این را داشته باش خود بنده سال ها قبل همشیره ما خانه شخصی نداشت بنده رفتم در شهرستان منزل ایشان مهمان، نشستم دیدم چند دقیقه نشد می گویند یا الله یا الله یا الله چه خبر است؟ خانم صاحب خانه آمدند خوب بسیار خوب همشیره ما رفت و برگشت، گفتیم چه شد؟ گفت می دانی از من چه می خواهد؟ گفتیم نه، اتاق کوچک بود فرش بزرگ بود اینطور مواقع فرش که بزرگ است فرش را می برند بالا دیگر، دیدید دیگر، گفت خانم صاحب خانه آمده به من می گوید بعد از ظهر اینجا می خواهد خریدار بیاید نکند این فرش را کنار بدهی پشت دیوار را ایشان ببینند نم زده ها، خوب تا اینجا می گوئیم عقل معاشش جواب می دهد. این برایم عجیب بود گفت ایشان فرمود من یک سفره حضرت ابوالفضل نذر کردم که قمر بنی هاشم چشم خریدار را کور کند. این یعنی نماز می خواند یک، علاقمند به قمر بنی هاشم هست دو، با آن یک سفره که انداخته می خواهد قمر بنی هاشم را نمک گیر کند سه، در جرم خودش شریک کند چهار، همه اینها به نام دین و اهل بیت انجام می شود پنج. در میان کشورهای اسلامی به استثنای بعضی کشورها، کشورهای اسلامی عقب مانده ترین و منحط ترین، برادران بازاری را سراغ دارید که برویم جنس بخریم چانه زنیم؟ ماها می دانیم دیگر می گوید قیمتش انقدر است یا الله یک سوپر چانه زنی لازم داریم که بلد باشد مستحب است از این حرف های بی دینانه است می گویند مستحب است چانه بزنیم یعنی اگر ترکش کنیم کراهت دارد. نه تنها در صنعت عقب هستند

در علم عقب هستند در اخلاق عقب هستند در انسانیت و معنویت هم عقب هستند. کشورهای اسلامی. می گویند نه، برو از این بچه های کمیته امداد سوال کن ما داریم صندوق هایی را که آقا این ۵۰۰ تومانی را انداخته که نصفش نیست. خواست ۲۵۰ تومان حتما کمیته امداد، انداخته آن داخل برای رضای خدا، ۵۰۰ تومانی که چه نداشته است؟ نصفش نیست. خواست ۲۵۰ تومان حتما ثواب ببرد.

آقای مطهری می گوید چرا اینطوری است؟ این اخلاق ماست. برادران شما می شنوید رشوه رشوه وجود دارد یا ندارد؟ به شکل هایی که دلتان بخواهد. دروغ وجود دارد؟ به شکل هایی که دلتان بخواهد. اینها همه لا مذهب هستند؟ اینطور نیست. آقای مطهری می گوید بله اینطوری است، علت چیست؟ فرد مسلمان این کار را کرده این کار عییش به اسلام برمی گردد یا به مسلمانی این آقا؟ با من شعر بخوان، گفت اسلام به ذات خود ندارد عیبی، هر عیب که هست در مسلمانی ماست. اخیرا جایی بودم رفتیم نماز خواندیم آن آقا داد می زند زودتر زودتر می خواهم در مسجد را ببندم، باور می کنید؟ حتما شما هم دیدی دیگر، حالا نمی دانم این مسجد ۲۴ ساعت چند ساعت کار می کند؟ واقعا نمی دانم. اسلام گفته مسجد را درست کن برای ۱۰ دقیقه و یک ربع نماز بخوانند بروند؟ این حرف اسلام است؟ تقصیر ماست وقتی چیزهای خوشگل را در مسجد می گذارید معلوم است هر کس نگاه می کند می گوید جل الخالق. یا باید بگوییم اسلام یعنی همان حقیقت اسلام در مغز و روح این ملت ها هست ولی خالصیت اسلام این است که ملت ها را عقب می برد یعنی گناه را به گردن اسلام بیندازیم. دشمنان دین هم بزرگ ترین حربه تبلیغی آنها همین انحطاط فعلی مسلمانان است. وقتی می خواهند بگویند، می گویند درخت را از روی میوه اش بشناسیم، شما اسلام آوردی ببینیم چکار کردید. ما در مملکت دینی اگر آیین بودا را آوردی دیگر اسمش را فقط نگفتم، آیین بودا را آوردیم، از این برادرمان که داشت صحبت می کردم سوال کردم فاصله چقدر است؟ گفت انقدر به شما بگویم شما الان بلیط قطار چه و چه هر بلیطی که دلتان می خواهد تهیه کن ۶ ماه بعد رأس همان ساعت که اعلام کردم به شما بلیط را فروختند رأس همان ساعت حرکت می کند.

پروژه شهری بود در همین مشهد ادای بعضی ها را دیدم در آوردند یک ساعت نمایی آنجا گذاشتند که این تاریخ دیگر این پروژه تکمیل می شود و ما هم خوشحال که الحمد لله چه تحول عظیمی رخ داده است، چه شد؟ دیدیم ذره ذره رسیدیم به اینکه یک هفته دیگر ۶ و ۵ روز دیگر، ورز ۴ و ۵ که مانده بود آن ساعت را کلا از آنجا کردند. در همین مشهد را می گویم. آقا اسلام می گوید به بچه کوچک الکی وعده نده، اسمش را می گذارد کذیبه، بچه کوچک که بیا برایت آدامس بخرم، می آید جلو می گیری لپش را می کشی، اسلام می گوید این دروغ است دروغ کوچک گفتن. در برخی کشورها اگر به بچه وعده بدهی عمل نکنی به عنوان جرم حقوقی اتفاق می افتد که بماند. آقای مطهری رضوان الله علیه می گوید دیگران می گویند اگر اسلام عرضه داشت چرا یک جای آبادی درست نکرد که من وقتی نگاه می کنم بگویم این را اسلام درست کرده است؟ چرا اینطوری است؟ نگاه کن یا باید اعتراف کنیم که حقیقت اسلام به صورت اصلی در مغز و روح ما وجود نیست اسلام نیست به خداوندی خدا ربطی به اسلام ندارد. ربط به اسلام ندارد ربط به دین به خدا به پیغمبر به امام به رهبری ربطی ندارد. این آقا ظاهرش را طوری درست کرده که ما وقتی نگاه کنیم می گویم اسلام است. بلکه این فکر اغلب در مغزهای ما به صورت مسخ شده موجود است خراب شده موجود است واقعیت ندارد توحید ما مسخ شده است. توحید که داستانش را گفتیم، نبوت ما نبوت مسخ شده است ولایت و امامت ما مسخ شده است اعتقاد به قیامت ما کم و بیش همینطور

است می گویند نه، قبر را سوال کن، قبرهایی در این شهر وجود دارد میلیاردی قیمتش است. چه موقع؟ درست در جایی که یکی می خواهد برای دخترش جهیزیه فراهم کند بلد نیست، چرا؟ چون در همین مشهد من شخص نادرستی را می شناختم که ۶ بار ۶ جفت کلیه عوض کرده بود همه کثیف کاری هایش را هم داشته است، خوب کجا برویم که ملائکه جرأت نکنند از من سوال کنند؟ من رب، کجا برویم ملائکه جرات نکنند شب اول قبر از من سوال کنند؟ کجا؟ می رویم پیش امام هشتم، پولش را قبلا می دهیم دیگر، گل و شیرینی و شکلات هم می آورند. اهل بیت به ما یاد دادند خدا را نمی توان دور زد کوتاه بگویم برادرمان نشستند، یکی آمد پیش امام صادق گفت من مدینه بودم حضرت فرمود سلمان را ابوذر را زیارت کردی؟ گفتند سلمان و ابوذر مدینه کنار رسول خدا دفن نیستند کنار رسول خدا فلان آقا و فلان آقا دفن هستند. حضرت فرمود خدای سبحان فرشته هایی دارد کار آن فرشته ها بلا تشبیه مثل بعضی از این چیزهایی هست که ماشینتان را یک جایی پارک میکنی که نباید پارک کنید، چکار می کنند؟ بلندش می کنند، یا الله بردیم جای دیگر، عجب ماشین برای من است بله اینجا نباید پارک می کردی. ملائکه ای را امام معصوم فرمود خدا دارد بهش می گویند ملک نقاله، یعنی کار شان چیست؟ جرثقیل خدایی اند که می کنند می برند تو یک میلیارد هم خرج کن، چرا این طوری است؟ باز در همین مشهد عالم بزرگ درجه این حرف که یک ساعت باید ازش حرف بزنی از دنیا رفت مرحوم آیت الله آقا میرزا جواد آقای تهرانی، مرحوم میرزا هم در این شهر از دنیا رفت؟ کجا دفن است؟ سنگ قبرش چیست؟

خدایا تو را به حق انبیا و اولیائت عنایتی بفرما اولاد دین تو را درست بفهمیم دو بعد از اینکه درست فهمیدیم درست به دینت عمل کنیم. مقدماتم خیلی طولانی شد می خواستم آفات بحث های دینی را عرض کنم اگر عمری داشته باشیم جلسات بعد دانه دانه نام می بریم کمی رویش تمرکز می گیریم. صلوات مرحمت بفرمایید.